

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**



دانشکده الهیات و علوم اسلامی  
گروه فلسفه و کلام اسلامی

عنوان پایان نامه

## زمان از نگاه ملاصدرا و هایدگر

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و کلام اسلامی

مؤلف

مجید شجاعی قادیکلایی

استاد راهنما

دکتر عباس حاجیها

استاد مشاور

دکتر مرزیه اخلاقی

اسفند ۹۰

تقدیم به همه انسانهایی که در طول تاریخ

با روحی خستگی ناپذیر و جستجوگر

راههای نوینی پیش روی بشریت گشودند .

**به ویژه صدر المتالین (ملاصدرا) و هایدگر**

و

تقدیم به پدر و مادر ، تکیه گاه مطمئنم در تمامی لحظات

و

همسر و فرزندانم ، امین و فائزه ، همراهان همیشگی ام در فراز و نشیب زندگی

## **با تقدیر و سپاس :**

از همه اساتید محترم گروه فلسفه و کلام پیام نور تهران به ویژه استاد ارجمند جناب آقای دکتر عباس حاجیها و همچنین استاد ارجمند خانم دکتر مرضیه اخلاقی .

## چکیده:

ملاصدرا مبدع حکمت متعالیه در فلسفه اسلامی است. او معتقد به اصالت وجود است و وجود را مشکک می‌داند. او بر خلاف پیشینیان از جمله ارسطو و ابن سینا، حرکت را نه فقط در اعراض بلکه در جوهر نیز می‌داند. از نظر او وقتی اصالت جوهر را به جای اصالت ماهیت انتخاب کنیم مشکل حرکت جوهری حل می‌شود او معتقد است زمان وابسته به حرکت است و امری پیوسته می‌باشد و برای اثبات زمان از دو دلیل طبیعی و الهی استفاده می‌کند. در فلسفه ملاصدرا حرکت جوهری و زمان رابطه نزدیکی با هم دارند. بدون حرکت جوهری زمان را هم نمی‌توان تصور کرد. زمان در نزد او مانند وجود، خلق مدام و آفرینش جهان را توجیه می‌کند.

و هایدگر یکی از بزرگترین فیلسوفان قرن بیستم است که تلاش نمود انسان را به خانه اصلی خود یعنی جهان بر گرداند. و همچنین مشکل نیهیلیسم که قبل از او نیچه مطرح کرده بود را حل کند. او در کتاب مهم خود « هستی و زمان » ریشه بحران انسان معاصر غربی را در هردو مورد بی‌خانمانی و نیهیلیسم در غفلت از وجود می‌داند. او تعریف جدیدی از انسان ارائه می‌دهد و آن را « دازاین » می‌نامد. دازاین تنها موجودی است که هستی خود را می‌فهمد. پس او می‌تواند وجودی اصیل یابد و همه موجودات دیگر نسبت با انسان هستی می‌یابند. هایدگر در بخش دوم کتاب هستی و زمان در مورد زمانمندی صحبت می‌کند او به نقد نگرش سنتی از زمان می‌پردازد. در قسمت زمانمندی، هایدگر تلاش می‌کند تا راه رسیدن به اصالت را نشان دهد. انسان با آگاهی از مرگ و آزادی انتخاب می‌تواند بطور صحیح از امکانات محدود خود استفاده کند و بطور صحیح زندگی کند. او در زندگی روزمره خود ممکن است دچار داسمن و زندگی غیر اصیل شود و به سخن بیهوده و هرزگی دست زند اما در ضمن او می‌تواند به گذشته نظر کند و به سوی آینده حرکت کند. دازاین یک موجود تاریخمند است. او میان سنت و نوآوری است. هستی او در میان دو سرحد تولد و مرگ می‌زید. هایدگر و ملاصدرا در عین حال که در بسیاری از اندیشه‌ها تفاوت‌های جدی دارند مانند تلقی این دو فیلسوف از اصالت وجود، ولی نقاط اشتراکی نیز در دیدگاه این دو فیلسوف نسبت به هستی و زمان وجود دارد.

# فهرست مطالب

## فصل اول :

### کلیات :

- ۱- زندگی نامه ملاصدرا ..... ۲
- ۱-۱- معرفی شخصیت ..... ۲
- ۱-۲- شرایط اجتماعی ..... ۳
- ۱-۳- شخصیت فلسفی ..... ۴
- ۱-۴- شخصیت عرفانی ..... ۶
- ۱-۵- حکمت متعالیه ..... ۸
- ۱-۶- اساتید ملاصدرا ..... ۹
- ۱-۷- آثار ملاصدرا ..... ۱۰
- ۱-۸- ویژگی های آثار ملاصدرا ..... ۱۱
- ۱-۹- وفات ملاصدرا ..... ۱۳
- ۲- زندگی نامه هایدگر ..... ۱۴
- ۲-۱- فلسفه هایدگر ..... ۱۵
- ۲-۲- آثار هایدگر ..... ۱۸
- ۲-۳- تاثیرات هایدگر ..... ۲۲
- ۳- علت انتخاب موضوع ..... ۲۴
- ۴- پیشینه تحقیق ..... ۲۵
- ۵- مشکلات تحقیق ..... ۲۵

۲۶	..... سوالات پژوهش
۲۷	..... مقدمه
۲۷	..... سیری اجمالی در تاریخ فلسفه زمان

## فصل دوم :

۳۵	..... ۱- زمان از دیدگاه ملاصدرا
۳۵	..... ۱-۱- وجود زمان
۳۸	..... ۱-۲- جنبه های مختلف دیدگاه ملاصدرا در مورد زمان
۳۸	..... ۱-۲-۱- آراء و عقاید در مورد زمان
۴۳	..... ۱-۲-۲- تحقیق صدرا در باره زمان
۴۸	..... - زمان مقدار حرکت قطعیه است
۵۰	..... ۱-۲-۳- دلایل وجود زمان
۵۰	..... ۱-۲-۳-۱- برهان طبیعیون
۵۶	..... - آیا به تعداد حرکات زمان داریم
۵۷	..... - دیدگاه ملاصدرا در تعدد حرکات و زمان
۵۸	..... ۱-۲-۳-۲- اثبات زمان به طریقه الهیون
۶۲	..... ۱-۲-۴- مفهوم و ماهیت زمان
۷۳	..... - بداهت زمان
۷۵	..... - بداهت زمان از نظر ملاصدرا
۷۶	..... - تشخیص هر موجود به زمان خاص آن است
۷۷	..... - زمان از عوارض تحلیلی وجود است
۸۰	..... - معیت میان مراتب هستی

۸۳	..... ۵-۲-۱- حرکت جوهری و زمان
۸۳	..... الف : حرکت جوهری
۸۹	..... - حرکت جوهری و شبهه عدم بقاء موضوع
۹۵	..... - تکامل در حرکت در پرتو حرکت اشتدادی
۱۰۰	..... ب : نتایج حرکت جوهری
۱۰۰	..... ۱- حدوث زمانی عالم
۱۰۱	..... ۲- جسمانی بودن مبدا و اصل نفس
۱۰۲	..... ۳- زمان از اعراض و اقسام هستی است
۱۰۳	..... ۴- زمان ماهیت ندارد
۱۰۳	..... ۵- جسمانی بودن معاد
۱۰۴	..... ۶- زمان با شهود و تجربه قابل درک است
۱۰۵	..... ۷- درک مفهوم « زمان » امری بدیهی است
۱۰۵	..... ۸- چگونگی ربط متغیر به ثابت
۱۰۶	..... ۹- زمان معیار سنجش حرکت است
۱۰۷	..... ۱۰- زمان امری واقعی است
۱۰۷	..... ۱۱- تکامل جهان

## فصل سوم :

۱۱۰	..... ۱- زمان در نزد هایدگر
۱۱۰	..... ۱-۱- دازاین
۱۱۳	..... ۱-۲- زمان در اندیشه هایدگر
۱۱۴	..... ۱-۳- زمان سنتی و زمان هایدگری



۱۱۷	..... ۱-۴- هستی به سوی مرگ
۱۲۲	..... ۱-۵- وجدان
۱۲۴	..... ۱-۶- اصالت و اخلاق
۱۲۶	..... ۱-۷- زمانمندی و زندگی روزمره
۱۲۷	..... ۱-۷-۱- زمانمندی فهم
۱۲۷	..... ۱-۷-۲- زمانمندی یاختگی ( تمایل )
۱۲۸	..... ۱-۷-۳- زمانمندی در افتادگی
۱۲۹	..... ۱-۷-۴- زمانمندی گفتار
۱۳۱	..... ۱-۸- زمانمندی و تاریخمندی
۱۳۳	..... ۱-۹- سنت سرنوشت و تقدیر دازاین در تاریخمندی
۱۳۵	..... ۱-۱۰- تاریخمندی و اصالت

## فصل چهارم :

۱۳۸	..... ۱- نگاهی تطبیقی به نظریه زمان نزد ملاصدرا و هایدگر
۱۳۸	..... ۱-۱- وجود و تقدیر در دو دیدگاه ملاصدرا و هایدگر
۱۳۸	..... ۱-۲- زمان در ملاصدرا و تفاوت آن با دیدگاه هایدگر
۱۴۱	..... ۱-۳- ارتباط «زمان» و «آن» با حرکت
۱۴۳	..... ۱-۴- تفاوت دیدگاه ملاصدرا با پیشینیان در مسئله زمان
۱۴۵	..... ۱-۵- زمان و تکامل نفس
۱۴۷	..... ۱-۶- هستی و زمان در دو دیدگاه ملاصدرا و هایدگر
۱۵۴	..... ۱-۷- نقد نگرش سنتی از زمان نزد هایدگر و ملاصدرا
۱۵۷	..... ۱-۸- تفاوت تلقی ملاصدرا و هایدگر در مسئله وجود اصیل و ارتباط آن با زمان

۱۶۰ ..... ۹-۱- مرگ در فلسفه هایدگر و ارتباط آن با زمان

## **فصل پنجم :**

۱۶۴ ..... منابع

۱۶۹ ..... چکیده انگلیسی

۱۷۰ ..... صفحه عنوان انگلیسی

## فصل اول

کلیات :

۱- زندگی نامه ملاصدرا

۲- زندگی نامه هایدگر

۳- علت انجام موضوع

۴- پیشینه تحقیق

۵- مشکلات تحقیق

۶- سوالات پژوهش

## کلیات :

### ۱- زندگی نامه ملاصدرا :

#### ۱-۱- معرفی شخصیت :

محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی ملقب به صدر المتالهین یا ملاصدرا در ظهر روز نهم جمادی الاولی سال ۹۸۰ قمری دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup> پدر او خواجه ابراهیم قوامی مردی پرهیزگار دیندار و دوستدار و حامی دانش و معرفت بود. در زمان حیات ملاصدرا، شیراز دارای حکومت مستقلی بود و حکمرانی آن به برادر شاه واگذار گردید که ، پدر ملاصدرا بعنوان معاون او و دومین شخصیت مهم آن منطقه به شمار می رفت، و به نظر می رسید تنها موهبتی که خداوند به او ارزانی نداشته است داشتن فرزند باشد. اما بالاخره خداوند درخواست ها و دعاها را این مرد پاک و زاهد را بی جواب نگذاشت و بهترین پسران را به او ارزانی کرد که او را محمد ملقب به صدرالدین نام نهاد به آن امید که عالی ترین شخصیت مذهبی گردد. در دوران جوانی، صدرالمتالهین جوان با شیخ بهایی آشنا گردید که سنگ بنای شخصیت علمی و اخلاقی ملاصدرا توسط این دانشمند جهان دیده کم نظیر بنا نهاده شد. و تکمیل این بنای معنوی را استاد دیگرش دانشمند سترگ و استاد علوم دینی و الهی و معارف حقیقی و اصول یقینی سیدامیر محمد باقر بن شمس الدین مشهور به میرداماد عهده دار گشت .

---

۱- هانری کربن ، ملاصدرا ، ترجمه ذبیح الله منصورى ، ص ۹

## ۲-۱- شرایط اجتماعی :

صدرالمتألهین حکیم خانه به دوشی بود که به جرم آزادگی روح و فکر مجبور شد تا از پایتخت و پایتخت نشینان روی گرداند. وی در مقدمه کتاب اسفار دلایل بیزاری خود را از جاهلان فرزانه نمای زمان خود و عزلت و تصوف خویش را در کهک (روستایی دورافتاده در سی کیلومتری شهر مقدس قم) بیان داشته است. پس از بازگشت به شیراز شهرت صدرای شیرازی عالمگیر شده بود و طالبان حکمت از نواحی و اطراف برای درک فیض به حضورش می شتافتند. او خود در مقدمه اسفار می گوید: «..... بتدریج آنچه در خود اندوخته بودم همچون آبخاری خروشان فرود آمد و چون دریایی پر موج در منظر جویندگان و پویندگان قرار گرفت

ملاصدرا از دانشمندان کم نظیری بود که از همراهی با صاحبان قدرت و زندگی با اهل دنیا و دنیاپرستان و تعریف و تمجید شاهان صفوی بیزار بود و عظمت روحی که در او وجود داشت به او اجازه سر فرود آوردن در برابر مقامات پست دنیایی را نمی داد و البته دنیا طلبان نیز . چنین مزاحمی را نمی توانستند تحمل کنند و او را از حسادت و توهین و تهمت خود در امان نمی گذاشتند صدرالمتألهین پس از طی مراحل علمی در اصفهان و احتمالاً آغاز حسادتها و مخالفتها به زادگاه خود باز می گردد تا شاید در حمایت خانواده و خویشان خود بتواند در امان باشد.

تاریخ بازگشت صدرالمتألهین به شیراز همچون کوچ قبلی و بعدی او از این شهر معلوم نیست . همچنانکه از مدت اقامت و فعالیت‌های علمی و اجتماعی او در این مرحله اطلاعی نداریم و احتمالاً در همین سالها که باید بین سالهای ۱۰۱۰ تا ۱۰۲۰ باشد الله وردی خان

فرمانروای شجاع و آگاه و دلسوز فارس تصمیم می‌گیرد تا مدرسه ای مخصوص به نام ملاصدرا را بنا کند و آن مدرسه را پایگاه علوم عقلی در منطقه قرار دهد. اما اجل او را مهلت نمی‌دهد و در سال ۱۰۲۱ قبل از اتمام مدرسه به قتل می‌رسد و مقارن همین احوال ملاصدرا نیز در اثر ناسازگاری علمای شیراز و شروع آزار و اذیت و اهانت او ناگزیر به ترک شیراز و بازگشت به اصفهان می‌شود و یا به گفته آیه الله سید ابوالحسن قزوینی از همان جا به نواحی قم عزیمت می‌نماید. ایشان در شرح حال ملاصدرا می‌نویسد:

« پس از مراجعت به شیراز چنانچه عادت دیرینه ابنای عصر قدیم و حدیث همین است محسود بعضی از مدعیان علم قرار گرفت و به قدری مورد تعدی و ایذاء و اهانت آنان قرار گرفت که در نتیجه از شیراز خارج و در نواحی قم در یکی از قرا منزل گزید و به ریاضات شرعیه از ادای نوافل و مستحبات اعمال و صیام روز و قیام در شب، اوقات خود را صرف می‌نمود. »<sup>۱</sup>

### ۳-۱- شخصیت فلسفی:

در زمان حیات ملاصدرا یعنی در اواخر قرن دهم و شروع قرن یازدهم هجری کلام و فلسفه از علوم رایج و محبوب آن زمان به شمار می‌رفتند. دلیل عمده گسترش این علم نسبت به سایر علوم آن زمان مانند فقه، ادبیات عرب، ریاضی، نجوم و طب و دیگر علوم و همچنین هنرهای رایج آن زمان مانند خط، معماری و کتیبه را می‌توان در شرایط اجتماعی آن دوران که خود زاییده شرایط سیاسی حاکم بر کشور بود جستجو نمود. عدم وابستگی و استقرار

---

۱- یاد نامه ملاصدرا، نشر دانشگاه تهران، ص ۲

ومرکزیت حکومت وقت امنیت و آزادی خاصی را حکمفرما ساخته بود که شکوفا شدن استعدادها و گسترش هنر و علم را در پی داشت .

صدرالدین محمد در علوم متعارف زمان و بویژه در فلسفه اشراق و مکتب مشاء و کلام و عرفان و تفسیر قرآن مهارت یافت. او آثار فلسفی متفکرانی چون سقراط و فلاسفه هم عصر او، افلاطون، ارسطو و شاگردانش و همچنین دانشمندانی چون ابن سینا و خواجه نصرالدین طوسی را دقیقاً بررسی نمود و موارد ضعف آنها را باز شناخت و مسایل مبهم مکاتب را بخوبی دانست. او اگر چه از مکتب اشراق بهره ها برد ولی هرگز تسلیم عقاید آنان نشد و گرچه شاگرد مکتب مشاء گردید لیکن هرگز مقید به این روش نشد. ملا صدرا پایه گذار حکمت متعالیه می باشد که حاوی ژرف ترین پاسخ ها به مسائل فلسفی است. ملا صدرا علاوه بر سالک و رهرو در عرفان بعنوان موفق ترین سالکین در فلسفه می باشد که با طی کردن مراحل مختلف گنجینه با ارزشی را برای ساخت قلعه ای از دانش کشف نمود که با نور جاودانی حقیقت می درخشد .

علامه محمدرضا مظفر این بخش از زندگی صدرالمتألهین را اولین دوره زندگانی فکری و سلوک روحانی او می شمرد که در درس و بحث و تتبع آثار فلاسفه و سیر در افکار فلسفی و کلامی سپری نموده و نشانی از ذوق عرفانی و ابتکارات فلسفی در او مشهود نبوده است .

صدرالمتألهین خود در مقدمه اسفار می گوید:

« من تمام نیرو و توان خود را در گذشته و از آغاز دوره جوانی صرف در فلسفه الهی نمودم تا حدی که به قدر امکان به آن دسترسی یافتم و در اثر سعی زیاد بخش شایان توجهی از آن نصیبم شد و در آن وادی به آثار حکیمان قبل از اسلام و پس از آن زیاد مراجعه کردم و از نتایج اندیشه های آنان بهره ها بردم و از ابتکارات فکری و اسرار نهفته آنان سود فراوان

یافتیم و چکیده کتب و رسائل فلسفی یونان و دیگر معلمان بزرگ را به خاطر سپرده ، از هر بابتی چکیده آن را اختیار نمودم ... و در این مدت صدفهای پر از مروارید گرانبهای حکمت و معرفت را از دریای حکمت به چنگ آوردم .<sup>۱</sup>

#### ۴-۱- شخصیت عرفانی :

« من وقتی دیدم زمانه با من سر دشمنی دارد و به پرورش اراذل و جهال مشغول است و روز به روز شعله های آتش جهالت و گمراهی برافروخته تر و بدحالی و نامردی فراگیرتر می شود ناچار روی از فرزندان دنیا برتافتیم و دامن از معرکه بیرون کشیدم و از دنیای خمودی و جمود و ناسپاسی به گوشه ای پناه بردم و در انزوای گمنامی و شکسته حالی پنهان شدم .  
با گمنامی و شکسته حالی به گوشه ای خزیدم . دل از آرزوها بریدم و با خاطری شکسته به ادای واجبات کمر بستم و کوتاهیهای گذشته را در برابر خدای بزرگ به تلافی برخاستم . نه درسی گفتم و نه کتابی تالیف نمودم . زیرا اظهار نظر و تصرف در علوم و فنون و القای درس و رفع اشکالات و شبهات و .... نیازمند تصفیه روح و اندیشه و تهذیب خیال از نابسامانی و اختلال ، پایداری اوضاع و احوال و آسایش خاطر از کدورت و ملال است و با این همه رنج و ملالی که گوش می شنود و چشم می بیند چگونه چنین فراغتی ممکن است ... ناچار از آمیزش و همراهی با مردم دل کندم و از انس با آنان مایوس گشتم تا آنجا که دشمنی روزگار و فرزندان زمانه بر من سهل شد و نسبت به انکار و اقرارشان و عزت و اهانتشان بی اعتنا شدم . آنگاه روی فطرت به سوی سبب ساز حقیقی نموده ، با تمام وجودم دربارگاه قدسش به

---

۱- ملاصدرا ، اسفار اربعه ، ج ۱ ، ص ۴



تضرع و زاری برخاستم و مدتی طولانی بر این حال گذرانده ام. سرانجام در اثر طول مجاهدت و کثرت ریاضت نورالهی در درون جانم تابیدن گرفت و دلم از شعله شهود مشتعل گشت. انوار ملکوتی بر آن افاضه شد و اسرار نهانی جبروت بر وی گشود و در پی آن به اسراری دست یافتم که در گذشته نمی دانستم و رمزهایی برایم کشف شد که به آن گونه از طریق برهان نیافته بودم و هر چه از اسرارالهی و حقایق ربوبی و ودیعه های عرشی و رمز راز صمدی را با کمک عقل و برهان می دانستم با شهود و عیان روشنتر یافتم. در اینجا بود که عقلم آرام گرفت و استراحت یافت و نسیم انوار حق صبح و عصر و شب و روز بر آن وزید و آنچه آنچنان به حق نزدیک شد که همواره با او به مناجات نشست.»<sup>۱</sup>

ملاصدرا بر این باور بود که مذهب شیعه دو وجه دارد، وجه ظاهری، یعنی همان شریعت و احکام دینی، و وجه باطنی، که همان درون مایه و حقیقت مذهب شیعه است و ملاصدرا آن را عرفان شیعی می نامید. او برای رستگاری انسان، هم شریعت و پایبندی به فرایض دین را لازم می شمرد و هم سیر و سلوک عرفانی برای رسیدن به حقیقت مذهب شیعه را ضروری می دانست. این در حالی بود که بیشتر دانشمندان قشری اصفهان، دید خوبی نسبت به عرفان نداشتند. ایشان بر این باور بودند که بسیاری از عارفان، به احکام دین اسلام پایبند نیستند و عمل به فرایض دینی را برای رسیدن به رستگاری لازم نمی بینند. یکی از دلایل تبعید ملاصدرا از اصفهان همین باور بود.

---

۱- ملاصدرا، اسفار اربعه، ج ۱، ص ۸

ملاصدرا اگرچه به عرفان باور داشت، اما کوتاهی از احکام و واجبات دین را به بهانه سیر و سلوک عرفانی رد می‌کرد. با دانشمندان قشری نیز به دلیل ستیز با عرفان شیعی مخالف بود. هم‌چنین با برخی از صوفیان که عمل به واجبات دینی را ضروری نمی‌دانستند، مخالف بود. البته برخی معتقدند ملاصدرا با ادغام فلسفه و عرفان ناخواسته راه را برای بسته شدن مسیر فلسفه ورزی در جهان اسلام فراهم کرد.

## ۵-۱- حکمت متعالیه :

مکتب ملاصدرا که حکمت متعالیه نامیده می‌شود، بر اصل « اصالت وجود » و تمایز آن از « ماهیت » استوار است. پیش از ملاصدرا فیلسوفان توجه چندانی به تفاوت این دو نداشتند و مرز این دو را روشن نکردند ، اما ملاصدرا مرز این دو مفهوم را به خوبی روشن نمود. بنابر دیدگاه او، بدیهی‌ترین مسئله جهان، مسئله وجود یا هستی است که ما با علم حضوری و دریافت درونی خود آن را درک کرده و نیازی به اثبات آن نداریم. اما ماهیت آن چیزی است که سبب گوناگونی و تکثر پدیده‌ها می‌شود و به هر وجود قالبی ویژه می‌بخشد. همه پدیده‌های جهان در یک اصل مشترکند که همان «وجود» نام دارد و وجود یگانه‌است زیرا از هستی‌بخش (یعنی خداوند یگانه) سرچشمه گرفته، اما ویژگی‌های هر یک از این پدیده‌ها از تفاوت میان ذات و ماهیت آن‌ها حکایت دارد. برابر این دیدگاه، اصل بر « وجود » اشیاء است و ماهیت معلول وجود به شمار می‌آید.

حکمت متعالیه از یک نظر به منزله چهار راهی است که چهار مکتب مهم یعنی حکمت مشائی ارسطویی و سینایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی الدین و معانی

و مفاهیم کلامی (اسلامی) با هم تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم آورده رودخانه ای خروشان به وجود آورده اند و از نظر دیگر به منزله یک ساختمان عظیمی است که چهار عنصر مختلف را پس از یک سلسله فعل و انفعالات به هم ربط داده و به آنها شکل و هیئت و واقعیت نوینی بخشیده که با ماهیت قبلی هر یک از عناصر متغیر است.<sup>۱</sup> (اختلاف سابقه دار مشاء و اشراق ... و همچنین بسیاری از موارد اختلاف نظر فلسفه و عرفان به وسیله صدر المتالهین حل شد و چهره بسیاری از حقایق اسلامی روشن گشت ...)<sup>۲</sup>

پس از رنسانس، خود باختگی مسلمین در قرون اخیر در حدی بوده و هست که اجازه نمی دهد آهنگ حیاتبخش حکمت متعالیه و صدای گوشخراش شکستن استخوانهای پوسیده فلسفه ارسطویی و نو افلاطونی (اسکولاستیک) در زیر چرخ عظیم و تندر حکمت متعالیه صدرایی به گوش غریبان و غریزدگان قدیم و جدید برسد و تحول بزرگ فلسفی را که آن حکیم الهی و فیلسوف ربانی ایجاد نمود دریابند. اما بدون شک با ظهور صدر المتالهین فعالیت فکری در ایران عصر صفوی به اوج خود رسید و اندیشه های او تمامی حیات فکری و عقلی چهار قرن گذشته را در انحصار در آورد و امروز نیز مکتب او به همان سرزندگی دوران تقریر و تحریر است.

## ۶-۱- اساتید ملاصدرا:

از آنجایی که در عصر ملاصدرا، اصفهان و قزوین، از مراکز علمی و فرهنگی ایران محسوب

---

۱- مرتضی، مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، ۱۳۵۹، ص ۵۸۷

۲- مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ج ۱۳، ص ۲۴۹ و ۲۵۲

می شدند . لذا اکثر اساتید بزرگ در این دو شهر اقامت داشته و از طرفی برای دانش دوستان جاذبه ی بسیاری برای هجرت به این شهرها و استفاده از این اساتید وجود داشت . ملاصدرا در ابتداء در محضر درس محمد بن عبد الصمد عاملی - معروف به شیخ بهایی - که از اساتید ممتاز آن عصر بود ، حاضر شد و در محضر همین استاد بود که سنگ بنای شخصیت اخلاقی و علمی او ریخته شد و به دنبال آن در محضر درس دانشمند و فیلسوف الهی و فقیه ربانی ، امیر محمد باقر بن شمس الدین مشهور به - میر داماد - حاضر و از حضور این اندیشمند گرانقدر بهره های زیادی برد .

ملاصدرا ، علمی چون حدیث ، درایه ، رجال ، فقه و اصول را نزد شیخ بهایی و فلسفه ، کلام و عرفان را نزد میر داماد آموخت و در علوم مثل ، علوم طبیعی ، ریاضی ، نجوم و هیئت ، علاوه بر استفاده از این دو اندیشمند فرزانه ، به احتمال زیاد از محضر ابوالقاسم میر فندرسکی که ریاضی دان بنام آن عصر بود نیز بهره برده است .

## ۷-۱- آثار ملاصدرا:

- الحکمه العرشیه

- الحکمه المتعالیه فی الاسفار العظیمه الاربعه

- المعه المشرقیه فی الفنون المنطقیه

- المبدأ و المعاد

- المشاعر

- المظاهر الالهیه فی الاسفار علوم الکاملیه